

## پیش‌نویسته

بر سه‌م‌زنی، آوای تاریخ و دیروز و آنچه را در گذشته پر ماجرای ایشان روی داده است می‌شنوی.

## آمدن اروپایی‌ها به خلیج فارس

اروپا برای یافتن راهی به هند در نیمه دوم سده پانزدهم میلادی تلاشی ناپیوسته را آغازید. این تلاش به یافتن راهی از جنوب آفریقا به اقیانوس هند در ۱۴۸۶ میلادی، یافتن قاره آمریکا در ۱۴۹۲ میلادی و رسیدن واسکو دوگاما به هند در سال ۱۴۹۸ میلادی انجامید. رسیدن دوگاما به هند هم‌زمان با روی کار آمدن سلسله شاهان صفوی و یکپارچگی سیاسی ایران شد. یکپارچگی ایران هر چند شاید جلوی چیرگی گسترش جوین اروپایی بر این سوی جهان را می‌گرفت، ولی از سویی دیگر زمینه چیرگی سیاستی را که می‌توانست گفتگو گرانه و زیرکانه رهجویی کند، فراهم می‌آورد.

پس از رهایی برتقالی‌ها به هند در سال‌هایی که هنوز شاه اسماعیل صفوی توانسته بود بر همه آن‌چه ایران بود دست یابد، دریانوردی به نام آلفونسو دو آلبوکرک در سال ۱۵۰۷ به جزیره هرمز لشکر کشید و از امیر آن جزیره که تنها دوازده سال داشت<sup>۱</sup> خواست تا سر به فرمانی از شاه پرتغال را بپذیرد، ولی وی نپذیرفت و از آن‌رو دوالبوکرک به آن جزیره تاخت و بر آن چیره شد و امیر خردسال آن را خراج‌گزار شاه پرتغال نمود.

با چیرگی پرتقالی‌ها بر هرمز، کالاهای بازرگانی پرتغال از پرداخت عسوارض در خلیج فارس آزاد گشت و بازرگانی کشتی‌های دیگر کشورها، بی آن‌که پرتغال بخواهد، باز داشته شد. دوآلبوکرک دژی در جزیره هرمز برپا داشت و به گسترش بازرگانی پرتغال در خلیج فارس کمر بست.

شاه اسماعیل سر به فرمانی امیر هرمز به شاه پرتغال را در برابر کمک نیروی دریایی پرتغال به ایران در لشکرکشی به بحرین و رویارویی با عثمانی پذیرفت و پرتغال از فرصت به دست آمده سود برد و توانست پس از چندی بندر گمبرون را به چنگ آورد و در آن به ساختن دژهای نظامی

صد سال پیش در نوامبر ۱۹۰۳ لرد جرچ ناتانیل کوزن نایب‌السلطنه هند برای نمایش توان نظامی انگلیس و شکوه فرمانروایی خود در برابر تلاش روسیه و آلمان برای رهایی به خلیج فارس و یافتن پایگاه‌هایی در این پهنه آبی پراچ جهان، به خلیج فارس سفر کرد.

او در این سفر از عمان و کویت و بندر بوشهر در ایران دیدن کرد و کوشید تا با همگام کردن فرمانروایان عمان و کویت با خود، در کنار دور ساختن آنان از رؤیای گسترش جوین روسیه و آلمان، ایران را هراسان‌تر از پیش و به فرمان‌پذیری بیشتر از خود وادار سازد و روسیه را به پذیرش خواست انگلیس درباره بخش کردن ایران میان خود و انگلیس وادارد.

امروز خلیج فارس آبستن رویدادهای بزرگی است و هراز چندگاهی می‌بینیم که سیاستمداری پرسه‌ای در آن می‌زند تا روند جاری را دگرگون سازد یا توانمندی، لشکر دریایی بزرگی را راهی آن می‌کند تا نمایشی از توان خود برپا دارد. تاریخ گاه تکرار زشت رویدادهای پلید است و خواتدن آن‌چه پیش‌تر روی داده می‌تواند بازدارنده تکرار همسان رویدادهای پیشین باشد.



خلیج فارس آب پهنه‌ای است با گستره‌ای بیش از ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع در جنوب ایران. در کرانه‌های این خلیج، کشورهای ایران در شمال، کویت و عربستان در باختر، امارات متحده عربی و عمان در جنوب قرار دارند و در میان آن‌ها جزیره‌های بزرگی چون بحرین، خارک، هندورابی، کیش، فرور، سیری، ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک، قشم، هنگام، لارک، هرمز، شیخ سعید و شیخ شعیب سر از آب پرخروش آن بیرون آورده‌اند که بحرین در میان آن‌ها کشوری است.

ایران در کنار این خلیج ۱۸۰۰ کیلومتر کرانه دریایی دارد و چند بندر بزرگ مانند بندرهای عباس، گناوه، ریگ، دیلم، بوشهر، معشور و امام در کرانه‌های ایران قرار دارند که اگر میان آن‌ها

# سر لرد کوزن به خلیج فارس

نوشتار دکتر افشین پرتو

بیشتر و تلاش‌های هم‌سو برانگیخت. برآیند گفتگوی هم‌ساز امام‌قلی‌خان فرمانروای فارس و ادوارد موناکس<sup>۲</sup> نمایندهٔ کمپانی هند شرقی، دست‌یابی انگلیس به بهره‌هایی چون شریک شدن در گرداندن کار جزیرهٔ هرمز و بهره‌های عوارض گمرکی آن جزیره و معاف شدن کالاهای انگلیسی از پرداخت حقوق بندری و گمرکی بود.

همپیمانان ایرانی و انگلیسی در دسامبر سال ۱۶۲۱ میلادی جزیرهٔ قشم و در آوریل سال ۱۶۲۲ میلادی جزیرهٔ هرمز را از دست پرتغالی‌ها بیرون آوردند و پس از صد سال به چیرگی پرتغال بر هرمز پایان داده شد.

تلاش انگلیسی‌ها برای بهره‌جویی‌های بازرگانی در سده‌های هفدهم و هیجدهم میلادی نیز بی‌گرفته شد و بر آن پایه ستیزه‌های سختی از سوی آنان یا اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها و هلندی‌ها و فرانسوی‌ها در خلیج فارس انجام گرفت. در نیمهٔ دوم سدهٔ هیجدهم میلادی، انگلیس بزرگی و برتری ویژه‌ای در بازرگانی دریایی خلیج فارس به دست آورد و از نفوذ سیاسی خاصی در میان کشورهای کرانه‌ای خلیج فارس برخوردار شد.

انگلیس برای پاس داشتن این برتری بازرگانی دریایی، بر آن شد که بازرگانی برون مرزی بندرها و جزیره‌های خلیج فارس را تنها ویژهٔ خود سازد و از آن رو در سال‌های آغازین سدهٔ نوزدهم میلادی به فرستادن سه دستهٔ نظامی برای سرکوبی دزدان دریایی و پدیدآری امنیت بازرگانی و رویارویی با بی‌نظمی و ناامنی پدید آمده از سوی قبیله‌های نافرمان عرب بویژه عرب‌های عمانی و قاسمی دست زد.

بیشتر دزدان دریایی از عرب‌های قاسمی بودند. آنان پیرامون شیخ نشین ابوظبی می‌زیستند و بی‌دربی به کشتی‌های انگلیسی می‌تاختند و خلیج فارس را ناآرام کرده و آسیب‌های سختی به درآمدهای بازرگانی ایران وارد می‌آوردند و ایران از آن‌جا که نیروی دریایی نداشت نمی‌توانست آنان را سرکوب و خلیج فارس را آرام کند. در سال‌های ۱۸۰۸ و ۱۸۱۰ میلادی، نیروی دریایی انگلیس تازش‌هایی برای سرکوبی دزدان دریایی

دست زد. پرتغال تا سال ۱۶۱۳ میلادی بندر گمبرون را در دست داشت، تا آن که در آن سال شاه عباس صفوی این بندر را پس گرفت.

از نیمهٔ دوم سدهٔ شانزدهم میلادی سر و کلهٔ انگلیسی‌ها و کمپانی هند شرقی نیز در دهانهٔ خلیج فارس پیدا شد. آنها می‌کوشیدند با ایران پیوندهای اقتصادی پدید آرند و به خلیج فارس راه یابند و در برابر، پرتغالی‌ها می‌کوشیدند راه انگلیسی‌ها را برای رسیدن به خلیج فارس ببندند.

انگلیس در راه دست‌یابی به خواست خود در سال ۱۶۱۶ میلادی یکی از کارگزاران کمپانی هند شرقی به نام جان کروثر<sup>۲</sup> را به دربار شاه عباس فرستاد و از شاه صفوی خواست تا دست آنها را در فروش پارچه‌های پشمی انگلیسی بازگذارد. شاه عباس نیز برای بستن راه بازرگانی عثمانی در خلیج فارس فرمانی داد که به موجب آن انگلیسی‌ها اجازه یافتند در هر جایی از خلیج فارس که بخواهند بتوانند به برپایی بندر و کارهای بازرگانی بپردازند.

پس از بسته شدن پیمان صلح میان ایران و عثمانی در سال ۱۶۱۸ میلادی، شاه عباس که از دست‌اندازی‌های عثمانی به مرزهای باختری ایران آسوده گشته بود بر آن شد تا دگرباره بر جزیره‌ها و بندرها و کرانه‌های جنوبی ایران دست یابد و از آن رو دژ پرتغالی‌ها در جزیرهٔ قشم را در میان گرفت و در پی آن بر رأس‌الخیمه که در دست امیر نافرمان هرمز بود دست یافت و به دنبال آن کوشید پرتغالی‌ها را از خلیج فارس براند و هرمز را به ایران بازگرداند و برای دست‌یابی به این خواستهٔ خود خواهان کمک انگلیسی‌ها شد.

برآیند برآن گردی شاه عباس برای دریافت کمک از انگلیس، دادن اجازهٔ ورود به بازرگانان انگلیسی به بندر جاسک بود. تلاش انگلیسی‌ها برای بهره‌جویی از امتیازی که شاه عباس به آن‌ها داده بود سودی نداشت، زیرا ناوهای انگلیسی در ستیز با پرتغالی‌ها شکست خوردند و پس نشستند و پرتغال در واکنش به کردهٔ ایران به قشم تاخت و بر آن جزیره چیره شد.

کردهٔ پرتغال، ایران و انگلیس را به همکاری

○ تاریخ، گاه تکرار زشت رویدادهای پلید است. خواندن آنچه پیش تر روی داده است می تواند بازدارنده تکرار همسان رویدادهای پیشین باشد.

○ از نیمه دوم سده شانزدهم میلادی سروکله انگلیسی‌ها و کمپانی هند شرقی در دهانه خلیج فارس پیدا شد. آنها می‌کوشیدند با ایران پیوندهای اقتصادی پدید آرند و به خلیج فارس راه یابند و در برابر، پرتغالی‌ها تلاش می‌کردند راه انگلیسی‌ها را برای رسیدن به خلیج فارس ببندند.

انجام داد ولی پیروزی‌های به دست آمده موقتی بود. در سال ۱۸۱۹ میلادی بار دیگر نیروی دریایی و زمینی انگلیس به فرماندهی ژنرال سرویلیام کی‌یر<sup>۴</sup> از بمبئی راهی خلیج فارس شد. پس از نبردی بزرگ رأس‌الخیمه به چنگ آنان افتاد و آن سرزمین ویران و کشتی‌دزدان دریایی به آتش کشیده شد.

در ژانویه سال ۱۸۲۰ میلادی پیمانی به نام «پیمان همگانی صلح با عشیره‌های عرب» با شیخ‌های کرانه جنوبی خلیج فارس بسته شد و شیخ‌ها پذیرفتند که بر کشتی‌های خود پرچم ویژه‌ای برافرازند و کشتی‌ها برگ و ویژه اجازه‌نامه‌ای که در بندر صادر شده باشد و شیخ آن بندر بر آن دستینه نهاده باشد همراه داشته باشند که هرگاه کشتی‌های نیروی دریایی انگلیس راه آنها را ببندند هویت آن‌ها آشکار باشد. بر پایه این پیمان، انگلیس برقراری امنیت در خلیج فارس را در دست گرفت. در سال ۱۸۲۰ میلادی انگلیس با بستن زنجیره‌ای از این پیمان‌ها با شیخ‌های خلیج فارس نفوذ سیاسی خود را گسترش داد و نماینده سیاسی انگلیس در بوشهر اعتبار یافت و بوشهر کانون حل مشکلات سیاسی میان دولت انگلیس و شیخ‌های عرب شد؛ تا آن جا که به نماینده سیاسی انگلیس در بوشهر شاه بی‌تاج و تخت خلیج فارس می‌گفتند و به آرامشی که برآیند آن‌همه تلاش زیرکانه بود عنوان صلح بریتانیایی<sup>۵</sup> داده شد. این پیمان تا سال ۱۹۱۷ میلادی چیرگی انگلیس بر خلیج فارس را تأمین کرد.

پس از چیرگی انگلیس بر شیخ‌های کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، انگلیس بر آن شد که بر بخشی از کرانه‌های شمالی نیز دست اندازد. هنگامی که در سال ۱۸۰۱ میلادی سرجان ملکم به ایران آمده بود، کوشیده بود فتحعلی‌شاه قاجار را به واگذاری جزیره‌های قشم و هنگام به انگلیس برای برپایی پایگاه‌های دریایی وادارد؛ و این خود نشانه تن دادن انگلیس به مالکیت ایران بر آن جزیره‌ها بود. فتحعلی‌شاه که از بلایی که بر سر هند آمده بود می‌ترسید، از پذیرش خواسته او سر باز زد و این سبب شد که انگلیس بهتر ببیند که برای دست‌یابی بر آن

جزیره‌ها آن‌ها را از آن مسقط بدانند و نپذیرد که آن جزیره‌ها زیر فرمان بندرعباس - که در اجاره سلطان مسقط بود - باشند.<sup>۶</sup>

انگلیس برای دست‌اندازی بر قشم پس از بسته شدن پیمان ژانویه ۱۸۲۰ با شیخ‌های عرب به بهانه سرکوبی دزدان دریایی یک نیروی بزرگ دریایی به فرماندهی ژنرال کی‌یر راهی قشم کرد و وی بر آن جزیره چیره شد. ایران سخت به کرده انگلیس اعتراض کرد و خواهان خروج انگلیسی‌ها از آن جزیره شد؛ ولی انگلیس خواست ایران را نادیده گرفت.

انگلیسی‌ها سه سال در قشم ماندند و چون هوای آن را بسیار بد و نامساعد (که بر آن اثر بسیاری از سربازانشان در آن جزیره مرده بودند) دیدند، نیروی خود را از قشم به جزیره باسعیلو - که انگلیسی‌ها آن را پاسادو می‌نامیدند - بردند<sup>۷</sup> و آن جزیره را تا سال ۱۸۷۹ به صورت پایگاه مرکزی اسکادران نیروی دریایی انگلیس در خلیج فارس نگه داشتند و از آن پس نیز تا سال‌ها آن را به عنوان ایستگاه زغال‌گیری خود حفظ کردند و پرچم خود را بر فراز خاک آن جزیره برافراشته داشتند. این ایستگاه در سال ۱۹۱۱ میلادی به جزیره هنگام منتقل شد.

ایران و مسقط در سال ۱۸۵۴ میلادی بر سر مالکیت بندرعباس درگیر شدند و انگلیس در آن درگیری از سلطان مسقط پشتیبانی کرد و در میانه آن درگیری از ایران خواست اگر خواهان بندرعباس است آن را به انگلیس اجاره دهد. ایران پذیرای پیشنهاد انگلیس نشد و در برابر پذیرش تمدید اجاره بندرعباس، سلطان مسقط را به پذیرش حاکمیت ایران بر قشم و هنگام واداشت.<sup>۸</sup>

بزرگ‌ترین گام انگلیس در راه سروری بازرگانی و سیاسی در خلیج فارس آن‌گاه برداشته شد که انگلیس بر آن شد تا خرید و فروش برده در خلیج فارس را از میان بردارد. عرب‌های عمانی و قاسمی سده‌هایی چند بود که از کرانه‌های آفریقا بردگانی را بار کشتی‌ها می‌کردند و در خلیج فارس می‌فروختند و بهره‌های کلانی از این راه به دست می‌آوردند. انگلیس که در سال ۱۸۳۲ خرید و فروش برده را در پهنه امپراتوری

بود و دو بار به روزهای درمیان گرفته شدن هرات از سوی محمدشاه قاجار در سال ۱۸۳۸ میلادی و ناصرالدین شاه در سال ۱۸۵۶ میلادی برای زیر فشار گذاشتن ایران به خارك تاخت و آن جزیره را گرفت و در سال ۱۸۴۱ میلادی پیشنهاد خریدن آن جزیره که از سوی حکومت انگلیسی هند داده شده بود از سوی پالمستون نخست‌وزیر انگلیس رد شد.<sup>۱۲</sup>

### زمینه‌های سفر لرد کوزن

در سال‌های پسین سده نوزدهم میلادی، فرمانروای انگلیسی هند منافع مشترک انگلیس و فرمانروایی هند در ایران را بهره‌های بازرگانی، سیاسی و استراتژیکی می‌دانست که در هند داشت. بیشترین بازرگانی انگلیس در جنوب و خاور ایران از راه هند و خلیج فارس انجام می‌شد و انگلیس آماده بود تا همه سودهای خود در بازرگانی با ایران را فدای پاسداری از هند نماید؛ چه می‌دانست آن همه سود تنها بخش کوچکی از سودی است که می‌تواند در هند به چنگ آورد. انگلیس اگر در سده‌های پیشتر درگیری‌های توان‌جویانه‌ای با برخی از کشورهای اروپایی چون هلند و فرانسه و پرتغال در خلیج فارس داشت، در آستانه سده بیستم میلادی با یک هم‌آورد دیرین - روسیه - و یک هم‌آورد نامجوی تازه از راه رسیده - آلمان - روبرو شد.

از سال ۱۸۸۰ میلادی آلمان سیاست گسترش‌جویی خود در شرق را با همراهی با عثمانی آغاز کرد. ویلهلم دوم امپراتور آلمان در سال ۱۸۸۹ به عثمانی سفر کرد. دستاورد این سفر امتیازات بزرگ و ارزنده اقتصادی در پهنه‌های زیر فرمان دولت عثمانی بود و در میان امتیازات به دست آمده امتیاز ساختن راه آهن برلین - بغداد از همه پرارزش‌تر بود.<sup>۱۳</sup> انگلیس هراسان بود از آن که آلمان راه آهن را تا بصره ادامه دهد و بر آن پایه راه تازه‌ای برای گسترش توان و برنامه‌های گسترش‌جویانه خود در خلیج فارس بیابد.

اگر آلمان در رویاهای دست‌نایافته‌اش سینه بر آب‌های نیلگون خلیج فارس می‌کوفت، روسیه این رؤیا و آرزوی بزرگ را دست‌یافتنی‌تر

خود باز داشته بود، برای افزودن بر اعتبار خود در خلیج فارس و در میان مسلمانان به بستن زنجیره‌ای از پیمان‌ها درباره منوعیت خرید و فروش برده با شیخ‌های مسقط و عمان و بحرین و کویت و دولت‌های ایران و عثمانی پرداخت. و از سال ۱۸۶۴ میلادی برتری بی‌همتایی در خلیج فارس به دست آورد که تا پیدا شدن کشتی‌های روسی و آلمانی در آب‌های نیلگون خلیج فارس ادامه داشت.<sup>۱۴</sup> این برتری سودهای کلانی به جیب انگلیسی‌ها ریخت و در سروری آنان در آن زمان در جهان نقش بزرگی داشت.

پس از دهه ۱۸۸۰ درگیری بی‌پایانی میان ایران و انگلیس بر سر چهار جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و سیری و ابوموسی آغاز شد. بر سر مالکیت این چهار جزیره تازمانی که شیخ قاسمی فرماندار بندر لنگه بود و به ایران مالیات می‌پرداخت هیچ درگیری بی‌وجود نداشت، ولی پس از سپرده شدن بندر لنگه به یک فرماندار ایرانی و رفتن عرب‌های قاسمی به کرانه‌های عرب‌نشین جنوبی، دولت انگلیس به پشتیبانی از ادعای آنان که آن چهار جزیره را میراث نیاکان خود می‌دانستند، پرداخت و جزیره‌های چهارگانه را از آن رأس‌الخیمه و شارجه دانست.<sup>۱۵</sup>

در برابر دیدگاه انگلیس، ایران می‌گفت با آن که باشندگان این جزیره‌ها عربند ولی سال‌هاست که به ایران مالیات پرداخته‌اند و پذیرای حاکمیت ایران بوده و هستند و نمی‌توان سرزمینی را که تا امروز ایرانی بوده به ناگهان عربی دانست.

ناسازگاری انگلیسی‌ها در سال ۱۸۸۸ میلادی موقتاً پایان یافت؛ زیرا در آن سال وزیر مختار انگلیس در تهران نقشه‌ای به شاه ایران تقدیم داشت که در آن، آن جزیره‌ها به رنگی که ایران داشت رنگ آمیزی شده بود.<sup>۱۶</sup> در سال ۱۹۰۴ میلادی ایران کوشید در تنب بزرگ و ابوموسی پایگاه‌های گمرکی برپا دارد، ولی انگلیس جلوی اقدامات ایران را گرفت و تا ۱۹۷۱ آن‌ها را در دست خود نگه داشت.

انگلیس به شیوه‌ای آزمندانه خواهان خارك

○ در سال ۱۸۲۰ میلادی،

انگلیس با بستن زنجیره‌ای از پیمان‌ها با شیخ‌های کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، نفوذ سیاسی خود را گسترش داد و نماینده سیاسی انگلیس در بوشهر اعتبار یافت و بوشهر کانون حل مشکلات سیاسی میان دولت انگلیس و شیخ‌های عرب شد، تا آنجا که به نماینده سیاسی انگلیس در بوشهر، شاه‌بی‌تاج و تخت خلیج فارس می‌گفتند.

می‌دید. نخستین حضور روس‌ها در خلیج فارس در تابستان ۱۸۹۹ صورت گرفت. در چهارم ژوئن ۱۸۹۹ میلادی پرنس داییزا کنسول روسیه در اصفهان همراه دو قزاق از شیراز راهی بوشهر شد. نماینده سیاسی انگلیس در بوشهر به هاردینگ سفیر انگلیس در تهران در تلگرافی خبر داد که هدف داییزا تفحص در جزیره هرمز است تا جایی مناسب برای برپایی ایستگاه زغال‌گیری بیابد.

بنا بر باور هاردینگ، سفر داییزا پیش در آمد يك نیروی نظامی پر خطر دشمن به‌شمار می‌رفت و از آن رو در پاسخ نوشت که: باید مراقب رفتار او و دیگر فرانس روس‌ها در بندرها... باشید. یقین داشته باشید که روسیه و فرانسه در کارشان هماهنگند.<sup>۱۲</sup>

اشاره هاردینگ به فرانسه از آن رو بود که فرانسه و روسیه در برابر آلمان متحد شده و فرانسه پیشتر در سال ۱۸۹۴ میلادی در مسقط کنسولگری برپا کرده بود. اتاوی<sup>۱۵</sup> کنسول فرانسه توانسته بود شیخ سید فیصل فرمانروای مسقط را به‌دشمنی با انگلیس برانگیزد. در برابر تلاش فرانسه، دولت انگلیس با دستپاچگی ناوترین را به فرماندهی دریاسالار داگلس راهی مسقط کرد و وی فرمانروای مسقط را که پذیرای خواسته انگلیس مبنی بر بستن ایستگاه زغال‌گیری فرانسه نبود، تهدید به گلوله‌باران کاخش کرد و فرمانروای مسقط به ناچار در ناو اتریرایز حاضر شد و تن به پذیرش خواسته انگلیس داد.<sup>۱۶</sup>

داییزا در بازگشت به خرمشهر به این بهانه که بوشهر شهری طاعون‌زده است و او به همراه دارنده میکروب آن بیماری است چند روزی در قرقطینه نگه داشته شد و سپس با احترام از آن شهر بیرون فرستاده شد. داییزا در دیدار با شیخ خزعل حاکم خرمشهر گفته بود که روسیه بر آن است تا بندری در خلیج فارس داشته باشد. او به برپایی پست‌های قرقطینه انگلیس در جزیره‌های هرمز و قشم اعتراض کرده و آن را پایه برپایی دژهایی در آن جزیره‌ها که برآندش چیرگی همه سویه انگلیس بر آن جزیره‌ها می‌بود، دانسته بود.

پس از چندروز در روزنامه‌های روسیه درخواست شد که بهتر است روسیه هر چه زودتر بندری در خلیج فارس به دست آورد و چه بهتر که آن بندر، بندر عباس باشد. این نوشته‌ها انگلیس را سخت نگران کرد، زیرا انگلیسی‌های مقیم هند خلیج فارس را دریای خودمان<sup>۱۷</sup> می‌نامیدند و از دست‌اندازی و حضور هر دولتی در آن ناراضی بودند. فریزر نوشته است:

سیصد سال است که درفش‌های ما بر فراز آن در اهتزاز است... ما در سراسر دریا‌های تنگ و باریک خاورمیانه قربانی داده و جنگیده و دادوستد و فرمانروایی کرده‌ایم تا توانسته‌ایم همه رقیبان را از میدان بیرون کنیم. با فداکاری‌های بی‌شمار یعنی با افشاندن خون‌ها و پراکندن گنج‌ها، با ابراز دلاوری‌های کاستنی‌ناپذیر دریانوردان، با برجا نهادن گورهای دورافتاده و فراموش شده بر کرانه‌های سوزان، با همان فضیلت خویشتن‌داری خودمان، ما این حق را سه چندان به‌دست آورده‌ایم که برتری خود را به‌گونه دست نخورده و خدشه‌ناپذیر حفظ کنیم.<sup>۱۸</sup>

در اوج تلاش انگلیس برای پس زدن دست دیگر اروپایی‌ها از خلیج فارس، جنگی بزرگ در آفریقا، انگلیس را به درون آتش کشاند. انگلیس درگیر جنگ بوئرها شد و این به روس‌ها فرصت داد تا به درون خلیج فارس بخرزند. در ۱۴ فوریه ۱۹۰۰، ناو روسی گیلیاک به آرامی در بندر عباس لنگر انداخت. به نیروی دریایی انگلیس در خلیج فارس دستور داده شده بود که اگر روس‌ها بخواهند پرچم خود را در بندر عباس برافرازند یا به برپایی پایگاهی دست زنند یا حتی نیرویی پیاده کنند، نخست دست به اعتراض زنند و اگر روس‌ها پذیرا نشدند به تندی پرچم انگلیس را در هرمز و قشم برافراشته دارند.

ناو گیلیاک نتوانست همه سیصد تن زغالی را که به سفارش روس‌ها از بمبئی به بندر عباس آورده شده بود، بار زند و از آن رو ۲۵ تن آن را بر جای نهاد و از حاکم بندر عباس خواست تا آن را تا بازگشت دگرباره پاس دارد و بدین شیوه آن‌جا را به ایستگاه زغال‌گیری روسیه تبدیل کرد و لرد

○ سر جان ملکم هنگامی که در سال ۱۸۰۱ میلادی به ایران آمده بود، کوشیده بود فتح‌علی شاه قاجار را به واگذاری جزیره‌های قشم و هنگام به انگلیس برای برپایی پایگاه‌های دریایی وادارد. پس از اینکه شاه ایران از این کار سر باز زد، دولت انگلیس پس از بسته شدن پیمان ژانویه ۱۸۲۰ با شیخ‌های عرب، به بهانه سرکوبی دزدان دریایی، نیروی دریایی بزرگی راهی قشم کرد و بر آن جزیره چیره شد.

گفت.

روس‌ها نگاهی ژرف به خلیج فارس داشتند و از آن‌رو یکی از بزرگترین چهره‌های سیاسی خود را راهی کنسولگری خود در بصره کردند. آداموف<sup>۱</sup> سیاستمدار کهنه‌کار در امور خاورمیانه بود و پیش‌تر رئیس ادارهٔ امور آسیایی در وزارت امور خارجهٔ روسیه و سفیر روسیه در تهران بود.

لرد کرزن نایب‌السلطنهٔ هند، هراسان از آن‌چه روی می‌داد، در نوامبر ۱۹۰۱ در نامه‌ای به دولت انگلیس نوشت که «مسأله ایران و خلیج فارس نزدیک است که به صورت بحرانی‌ترین مسائل سیاسی آسیای میانه درآید».

کرزن ضمن هشدارهای پیاپی به دولت انگلیس دربارهٔ چشم‌گشودن و ژرف‌نگری به آن‌چه در خلیج فارس می‌گذشت نوشت که «تحصیل منافع یا حقوق سیاسی به وسیلهٔ دولت روسیه در آن نواحی، متضمن خطر حتمی برای امنیت امپراتوری انگلیس خواهد بود».

در آن سال‌ها ستیزه‌های سخت میان لرد کرزن و لرد جرج هامیلتون وزیر امور هندوستان برپا بود و هر یک می‌کوشید تا باور خود را ارج دهد و دیگری را به بداندیشی متهم سازد. کرزن پذیرای ساخته شدن راه آهن روس‌ها به سوی خلیج فارس بود و همیلتون گسترش راه آهن روسیه را به زیان انگلیس می‌دید. کرزن حاضر به پذیرش دادن هر امتیازی از سوی ایران به روسیه نبود و بر آن باور بود که این کار مصالح انگلیس را به خطر می‌اندازد، ولی همیلتون از روی ستیز با کرزن به این باور تن نمی‌سپرد.

اگر همیلتون پذیرای ایده‌های کرزن نبود، لرد لنزداون وزیر امور خارجهٔ انگلیس آن را با آسانی می‌پذیرفت و بر آن پایه در ۵ مه سال ۱۹۰۳ میلادی در مجلس لردها گفت:

ما بر بایستی پایگاه دریایی یا ساختن استحکامات در یکی از بندرهای خلیج فارس را از طرف هر دولت دیگر تهدیدی برای مصالح بریتانیا به‌شمار می‌آوریم و باید با تمام وسائلی که در اختیار داریم در برابر آن مقاومت کنیم.<sup>۲</sup> گفتهٔ لنزداون موضع لرد کرزن را پرتوان‌تر

کرزن پس از این رویداد نوشت: «مثل این که میخ خود را کوفته‌اند».

واکنش انگلیس فرستادن ناو پومونا به بندرعباس بود. فرمانروای بندر بر پایهٔ دریافتی سیاست‌مداران، روسیهٔ دوردست را رها کرد و به انگلیس دم دست آری گفت.

ناو گیلیاک در چند بندر دیگر خلیج فارس لنگر انداخت و آرام‌آرام دور شدد و در پی آن نوشته‌هایی چند میان وزارت امور خارجهٔ انگلیس، وزارت هندوستان، وزارت دریاداری انگلیس، حکومت انگلیسی هند، وزیر مختار انگلیس در تهران و نمایندهٔ سیاسی انگلیس در بوشهر رد و بدل شد و با شیخ‌های کرانه‌نشین خلیج فارس گفتگوهایی انجام گرفت تا به پشتیبانی انگلیس دل خوش دارند و در پی آن چند جزیره نقشه‌برداری شد تا در زمان بایسته در آن‌ها پایگاه‌هایی برپا گردد.

دایوژا در ماه مارس ۱۹۰۱ دگر باره با ناو کورنیلوف به خلیج فارس بازگشت و کوشید خانه‌ای در بوشهر بخرد و کنسولگری روسیه را در آن شهر برپا کند. انگلیس هراسان دست به واکنش زد. روزنامهٔ فرانسوی ژورنال دو دبا نوشت:

انگلیس با ساختن ایستگاه‌های تازهٔ زغال‌گیری و دخالت در کار فرمانروایان محلی و دسیسه‌چینی در نجد و کویت و یمن به استحکام موقعیت خود پرداخته است و باید فرانسه نیز یا به میدان نهد.

روزنامه‌ی روسی نووئه ورمییا به فرانسه خوش‌آمد گفت و نوشت:

برای ما آسان نیست که مبارزه با انگلیسی‌ها را بی‌گیری، زیرا تاکنون در آن نواحی بسیار نیرومند بوده‌اند. پس یا مسرت به دوست و هم‌پیمان خود فرانسه خوش‌آمد می‌گوییم.

ناو کورنیلوف بار دیگر در اکتبر سال ۱۹۰۱ میلادی به خلیج فارس بازگشت. این کشتی در بندرعباس لنگر انداخت و ۵۰۰۰ بشکه نفت خالی کرد و سپس در بندر لنگه قماش و در بوشهر نفت و شیشه به فرمانروایان آن بندرها فروخت و پس از لنگراندازی کوتاهی در بصره و لنگه با بار کثیرا و بنبه و تریاک خلیج فارس را ترک

### ○ در سال ۱۸۸۸ میلادی،

وزیر مختار انگلیس در تهران نقشه‌ای به شاه ایران تقدیم کرد که در آن جزیره‌های تنب بزرگ و تنب کوچک و سیری و ابو موسی به رنگی که ایران داشت رنگ آمیزی شده بود، اما در سال ۱۹۰۴ که ایران کوشید در تنب بزرگ و ابو موسی پایگاه‌های گمرکی برپا دارد، انگلیس جلوی کار ایران را گرفت و این جزیره‌ها را تا سال ۱۹۷۱ در دست خود نگهداشت.

ساخت و وی را به جستجوی راهی برای پیاده کردن اندیشه خود واداشت و سفیر روسیه در لندن در دیداری با لئوداون به وی اطمینان داد که روسیه بر آن نیست تا در خلیج فارس پایگاه دریایی برپا کند و بهتر است انگلیس پذیرای بی‌گیری گفتگو با روسیه بر سر تقسیم منافعشان در ایران گردد.

### سفر به خلیج فارس

کرزن بر آن شد که برای به نمایش گذاشتن

توان انگلیس و دادن هشدار به ایران و عثمانی و روسیه و فرانسه سفری به خلیج فارس کند و با سرزدن به بندرها و شیخ‌نشین‌ها توانمندی خود و نیروی دریایی انگلیس و سیاست چیرگی جویانه انگلیس در خلیج فارس را به چشمها بکشد؛ بدان گونه که امروز نیز گاه سردمداران قدرت‌های جهانی چنین می‌کنند و هرازچندگاهی با سفر خود به خلیج فارس نمایش‌گر توان خودند.

سرآرتور هاردینگ سفیر انگلیس در تهران پس از آگاهی از نزدیک بودن این سفر، وامانده از بیان چرایی این سفر برای سران ایران، دستوری از وزارت امور خارجه‌ی انگلیس بدین مضمون دریافت کرد:

خطا است اگر سفر نایب‌السلطنه هند در حکم تهدید به حال کسی شمرده شود. این سفر نتیجه‌ی علاقه‌دوستانه‌ای است که ما به امور ایران داریم و نیز مولود روابط موجود میان ما و سلطان مسقط و رؤسای محلی قسمت عربی خلیج فارس است.

پس از این دست‌توسور، هاردینگ، وزیر امور خارجه ایران مشیرالدوله را از آن سفر آگاه کرد. وی امیدوار بود که از نایب‌السلطنه در بندرهای ایران به‌خوبی پیشواز شود. وی در نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایران درباره این سفر چنین می‌نگارد:<sup>۲۱</sup>

مورخه ۲۶ سپتامبر ۱۹۰۲-۴ رجب ۱۳۱۱

پس از عنوان

دوستدار شرف دارد خاطر محترم را مستحضر سازد از این که جناب مستطاب اجل فرمان‌فرمای هندوستان خیال دارند که

برحسب دستورالعمل اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ماه نوامبر آینده به خلیج فارس رسماً تشریف بیاورند. [۰] يك دسته کشتی‌های جنگی همراه خواهند داشت. [۰] اولین قصد جناب معظم این است که ممالک مختلفه [ی] اعراب واقعه در ساحل جنوبی خلیج فارس را که رؤسای آن‌ها [۰] چنان‌چه جناب مستطاب اجل عالی مستحضر می‌باشد [۰] ارتباط مخصوص با دولت هندوستان دارند [۰] مشاهده کنند و به کنسولگری‌ها و کالت‌خانه‌های سیاسی که در آن نقاط آسیا دارند سرکشی نمایند [۰] ولی محض احترام دولت اعلی حضرت شاه ایران نمی‌خواهند که ضمن مسافرت به خلیج فارس [۰] بنادر عمده [ی] ایران [۰] واقع در شمال این دریا را که در آن جاها دولت هندوستان مصالح سیاسی و تجارتي دارد [۰] مستثنی بدارند [۰].

یقین است دولت ایران مایل خواهند بود که به وسیله [ی] بروز احترامات مخصوصه و حسن نیت خود [۰] نسبت به جناب مستطاب اجل فرمان‌فرما [۰] که نماینده [ی] بزرگ اعلی حضرت پادشاه انگلستان در آسیا می‌باشند [۰] در بوشهر و سایر بنادر ایران که دسته [ی] کشتی‌های جنگی وارد می‌شود روابط دوستی خود را با دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان مشهود سازند [۰].

از این مسافرت که جناب مستطاب معظم برحسب امر اعلی حضرت پادشاه انگلستان [به] سواحل خلیج فارس می‌فرمایند [۰] دوستدار گمان دارد که دولت ایران از عزم راسخی که دولت انگلیس برای حفظ و وقایه<sup>۲۲</sup> حقوق و مصالح خود [۰] که با حقوق و مصالح اعلی حضرت شاهنشاه ایران در آن نقاط یکی است و هم‌چنین از عزمی که در استحکام تفهیم حسنه [۰] که از چندین سال قبل خوشبختانه فی مابین این دو مملکت هم‌جوار برقرار بوده است [۰] ثبوت تازه مشاهده فرمایند [۰].

○ انگلیس اگر در سده‌های پیشتر درگیری‌های توان‌جویانه‌ای با برخی از کشورهای اروپایی چون هلند و فرانسه و پرتغال در خلیج فارس داشت، در آستانه سده بیستم میلادی با يك هم‌اورد دیرین (روسیه) و يك هم‌اورد نامجوی تازه از راه رسیده (آلمان) روبه‌رو شد.

در باب جزئیات پذیرایی که از طرف اعلی حضرت شاهنشاه ایران نسبت به جناب مستطاب اجل فرمان فرمای هندوستان در بوشهر و سایر بنادر ایران به عمل می آید به زودی با جناب مستطاب اجل عالی مذاکره خواهد شد. [بیوست شماره ۱]

دربار ایران از این سفر نگران بود و می اندیشید که واکنش روس ها در برابر این سفر نمایشی شگفت انگیز خواهد بود و این سفر بار مالی سنگینی بر دوش دولت ایران خواهد نهاد. مظفرالدین شاه و صدراعظمش امین السلطان از هاردینگ خواستند که آنان را از پانهان به درون این نمایش برکنار دارد. کنسول ایران در بمبئی در نامه ای به وزارت امور خارجه کوشید آنچه را در پشت پرده می گذرد، رو کند و چرایی سفر کرزن را توجیه نماید. <sup>۳۳</sup> وی در این نامه چنین می نویسد:

از بمبئی به تاریخ ماه نوامبر ۱۹۰۳ دولت روسیه بعد از آن که نفوذ خود را در شمال ایران قرار داده، [در این دو سال آخر برای حصول این نفوذ،] اقدامات خود را به ولایات منحصر نموده است. [ساختن راه آهن بغداد توسط آلمان] ای ها و هم چنین احداث راه آهن توسط انگلیس [ای ها مابین کیتا و نومسکی البته مطمئن نظر دولت روسیه بوده و فی الحقیقه این دو خط روزی سبب خواهد شد که دولت روسیه بتواند به محیط هندوستان دسترس [ای] پیدا کند. [برای رفع این مسأله دولت روسیه چنین صلاح می داند که بهترین اقدام این است که در بغداد و محمره و بصره و بوشهر کنسول گری ایجاد نموده و ضمناً کمک نقدی به یک کمپانی بحری داده که آن راه تجارت را مابین بحر سیاه و خلیج فارس باز کرده و به علاوه مابین آدسا و بنادر عرب و ایران تجارت نماید. [اقدامات دولت روسیه برای حفظ منافع خود در زمین مشرق موجب نتایج حسنه گردیده است. [ نظر به تعرفه گمرکی که [به] تازگی از

تهران برای دولت روسیه حاصل شده است. [طولی نمی کشد که دولت روسیه در خلیج فارس هم چشمی کلی با تجارت انگلیس و هندوستان و امتعه ای] که آن ها داخل ایران می نمایند. [خواهد نمود. [ دولت انگلیس که تا به حال تفوق پلتیکی و تجارتنی در این مملکت داشته، [خطر این فقره را فوراً منتفت شده و با حالت عزمی که اختصاص به اقدامات خود آن دولت دارد،] چنان چه این مطلب در عمل متصرفات او همواره مشهود گردیده، [در صد رفع این برآمده است. [

دو نفر که مردمان با اقدام انگلیس هستند و واجب می دانند که خلیج فارس را تا یک درجه مانند دریاچه انگلیس نمایند، [یکی لرد کرزن در کلکته و دیگری سر آرتور سفیر انگلیس در تهران است. [ این دو نفر متفقاً به اقدامات پرداخته و در اهتمامات خود متحد گردیده اند] که این قصد را به حقیقت برسانند. با تقویت گماشتگان آن ها در خلیج فارس و اقداماتی که از طرف آن ها به عمل آمد، [وقایع کثیره و مختلفه ای] در کویت و بصره و محمره و عمان و بوشهر به ظهور رسید. [در تمام این نقاط گماشتگان پلتیکی انگلیس و هندوستان به هم چشمی یکدیگر اهتمام نمودند] تا رفع هر گونه نفوذ را نموده و نفوذ کلکته را تسوق و برتری دهند. [و در این مطالب همگی منتهای اهتمام را به عمل آوردند. [

تغییرات اداره گمرکی ایران کم مانده بود که اسباب اغتشاش کلی در بعضی از بنادر خلیج فارس شود. [رقابت مشایخ مختلف عرب که در زمان جنگ ترانسوال در موقع غیر مناسب به هیجان آمده بودند،] اسباب این شده بود که در نجد و عراق عرب آتش بزرگی افروخته شود. [خلاصه،] مداخله وحشیانه کنسول انگلیس در مسقط و حکومت عمان و ظهور یک نفر امام که رقیب سید فیصل بود اسباب هیجان بر ضد سید مذکور گردیده و منتهم به اتحاد

○ در لوج تلاش انگلیس  
برای پس زدن دست دیگر  
دولتهای اروپایی از خلیج  
فارس، آن کشور درگیر  
جنگ بوئرها در آفریقا شد و  
این رویداد به رو سها فرصت  
داد تا به درون خلیج فارس  
بخزند.



[با] دولت انگلیس در عربستان شده، [سبب اغتشاش گردید]. این وقایع بی‌فایده تئایجی حاصل نموده که به کلی مخالف بود با فوایدی که تصور می‌شد. [۰]

با وجود اغتشاش بی‌حدی که به میان آمد اعتبار و نفوذ دولت انگلیس توسعه حاصل ننمود. [نظر به این فقرات چنین صلاح دانستند که ساکنین سواحل از بعضی تجملات متأثر شوند و محض این فقره بود که سفر بزرگ لرد کرزن خدیو هندوستان و سرآرتور سفیر انگلیس در تهران به میان آمد. [بنابر اخباری که در هندوستان شهرت دارد]، امیدوارند که از این مسافرت لرد کرزن در دریاهای ایران و عربستان فواید کلی حاصل شود. [۰]

یقیناً تماشای این تجملات و جهازات کثیره سبب این خواهد شد که از بعضی از سلاطین جزء و شاهزادگان امتیازاتی که لازم است به دست بیاید. [گفتگو این است که از بنادر گوادر<sup>۲۴</sup> و بمبئی<sup>۲۵</sup> در مکران<sup>۲۶</sup> سیم تلگراف بحری به بوشهر و کویت احداث گردد که در جنوب [عراق عرب را که ابتدای راه آهن بغداد است] به هندوستان متصل نمایند و هم چنین با مشایخ سواحل قرار نامه منعقد نمایند و ایضاً از راه آهن افغانستان به طرف شیراز و بوشهر و رود کارون مابین هندوستان و جنوب ایران راه جدیدی مفتوح نمایند و هم چنین بر عده کنسول‌گری‌های انگلیس و اهمیت آن‌ها در ممالک جنوبی ایران و عراق بیفزایند و خلاصه بعضی مواقع محکم در نقاط مختلفه خلیج فارس خصوصاً در رأس مسندم<sup>۲۷</sup> در منتهای شمال بحر عمان در مقابل جاسک در سواحل ایران برقرار نمایند که مشرف بر بغاز هرمز باشد. [۰]

حقیقتاً اگر قلعه [ای] در دماغه [مابین خلیج فارس و بحر عمان احداث شود که دارای توب‌های جدید باشد]، برای جنوب ایران اسباب تهدید بوده [و] مفتاح خلیج فارس را به دست دولت انگلیس

خواهد انداخت و رأس مسندم محل مناسبی برای این کار خواهد بود. [۰]

یقیناً برای حصول این مقاصد اقدامات [ی] لازم است. [ولی باید دانست که همان طوری که در اطراف خدیو هندوستان تصور می‌کنند]، این اقدامات سهل خواهد بود یا نه. [همین قدر در محبت و اخلاص ساکنین بومی خلیج فارس اعتماد حاصل است که به واسطه آن محتمل است تئایجی که مد نظر است به دست آید. [و] احتمال در ضمن مسافرت بر لرد کرزن معلوم شود که از این حیث اطلاعات لازمه به او داده شده است. [۰] (پیوست شماره ۲)

کنسول ایران در کلکته در همان روزها در این باره به وزارت امور خارجه ایران نوشت<sup>۲۸</sup>:

مورخه ۲۴ شعبان ۱۳۲۱-۴۸۱  
به مسافرت فرمان‌فرمای هندوستان در خلیج فارس [و] روزنامه‌های روسیه خیلی اهمیت می‌دهند. [بعضی می‌نویسند که مقصود لرد کرزن این است که با کشتی‌های جنگی که همراه دارد]، شوکت دولت انگلیس را در بنادر خلیج فارس به چشم سکنه آن جا جلوه بدهد و هدایای زیادی همراه برده [و] که به امرا و اکابر بخشیده [و] به سخاوت و تمول انگلستان آن‌ها را فریفته نماید. [و] بعضی دیگر می‌نویسند که فرمان‌فرما تا بغداد خواهد رفت و قصدش از این مسافرت این است که دایره تجارت انگلستان را در خلیج فارس و عراق عرب توسعه بدهد. [و] از قراری که در روزنامه نوبه ورمیا درج شده بود [و] گویا سفیر کبیر انگلیس مقیم پترزبورگ هم مدتی است مرخصی گرفته و رفته است [و] در این مسافرت همراه لرد کرزن خواهد بود. [۰] محض استحضار خاطر مبارک جسارت ورزید. [۰] (پیوست شماره ۳)

لرد کرزن در نوامبر سال ۱۹۰۳ میلادی با کیکبه و دبدبه فراوان سفر خود به خلیج فارس را آغاز کرد. ناوگان همراه او کشتی بخاری هاردینگ و چهار اژدرافکن و چندین ناو کوچک

○ انگلیس، آزمندانانه خواهان جزیره خارک بود و دوبار به هنگام در میان گرفته شدن هرات از سوی محمدشاه در سال ۱۸۳۸ و ناصرالدین شاه در سال ۱۸۵۶ برای زیر فشار گذاشتن ایران به خارک تاخت و آن جزیره را گرفت.

بود. سرآرتور هاردینگ ترتیبی داده بود که از کرزن در بندرعباس و بوشهر از سوی دولت ایران پذیرایی گردد، اما علاء‌الدوله فرمانروای فارس می‌کوشید تا بندرعباس را از این برنامه حذف کند و دلیل آن را دوری بندرعباس از شیراز و در نتیجه هزینه سنگین این کار برای دولت ایران اعلام می‌کرد.

کرزن در ۱۸ نوامبر به مسقط رسید. گزارش سفارت ایران در لندن درباره سفر کرزن به مسقط چنین است:<sup>۱۱</sup>

قربانت شوم به موجب خبر تلگرافی رویترا از مسقط، [فرمان‌فرمای هند در ۱۸ نوامبر در کشتی موسوم به هاردینگ به اتفاق چهار کشتی جنگی وارد بندر مسقط گردید و سلطان مسقط به کشتی رفته از لرد کرزن دیدن نمود]، و بعد از ظهر لرد کرزن به رسم بازدید پیام نمود و پذیرایی‌هایی که از طرف سلطان به عمل آمد همه از روی کمال خلوص و خضوع بود. [شهر را زینت داده]، هزاران نفر [از اهالی مجتمع بودند و علائم کمال دوستی از آن‌ها ظاهر بود].

بعد از آن لرد کرزن به کنسول‌خانه انگلیس رفت و در جواب اهالی هند ساکن مسقط، [لرد کرزن از کمال رونق تجارت هند در عمان که به صدی هشتاد و پنج در کلیه تجارت عمان بالغ است]، ذکر می‌نموده و راجع به شکوه تجار هند از اغتشاش طوایف عرب عمان، [که مورث اتلاف مال و جان آن‌ها می‌شود]، گفت که دولت انگلیس مداخله در امور داخله مسقط ندارد ولی با این وضع دولت انگلیس محض حفظ رعایای خود با مقام مراسم می‌آید. [اما دور نیست که شما [تحت] حمایت سلطان در آید] [و] مستظهر و امیدوار باشید].

سرآرتور هاردینگ هم همان روز وارد مسقط گردید. [روز نوزدهم در روی یکی از کشتی‌های جنگی]، درباری با تجمعات تمام برپا شد و از طرف سلطان مسقط خطابه خالصانه و خاشعانه به زبان عربی

قرائت شد. [بعد از ترجمه]، لرد کرزن طی نطق [ی] طولانی که در جواب نمود، [شرحی از رابطه پلتیکی بین هند و مسقط که متجاوز از يك مائه برقرار است]، بیان کرد و ذکر داشت که بین هند و ملك عمان نه معاهده بسته شده و آن معاهدات آن دو مملکت را با عقده‌های محکم به هم وصل کرده‌اند و نیز در مواقع عدیده حمایت از حکمران ملك عمان به عمل آمده است].

از اظهار سلطان در خطابه‌اش که خود و اولادش پاس حقوق آن مساعدت‌ها و نیت‌های دیرین را خواهند داشت]، لرد کرزن اظهار خوشوقتی نمود و گفت مادامی که حکمرانان عمان معاهدات خود را منظور بدانند و با بصیرت و عدل، ملك را نظم و نسق دهند]، هم‌وقت از کمک دولت انگلیس]، که در اقامه صلح و نجات آن ملك فایده‌مند است]، بهره‌مند خواهند شد]. و در اختتام گفت که امیدوار است که این ملاقات سلطان و نماینده دولت انگلیس در هند]، در آب‌های مسقط]، مزید استحکام دوستی بین دو مملکت بشود].

فرمان‌فرما به نام پادشاه انگلیس]، در پایان مجلس دربار]، نشان درجه اول ستاره هند را زین صدر سلطان نمود].

استحضاراً جسارت ورزید ۳ رمضان

۱۳۲۱ هـ. [ق.]

(بیوست شماره ۴)

کرزن پس از مسقط راهی کویت شد و در آن شیخ‌نشین چون سلطانی مورد پیشواز قرار گرفت. سفارت ایران در لندن در گزارشی ماجرای سفر او به کویت را چنین می‌نگارد:<sup>۱۲</sup>

قربانت شوم به موجب خبر تلگرافی وکیل رویترا]، لرد کرزن [در] ۲۸ نوامبر به بندر کویت رسید]. [شیخ مبارک با پسر بزرگش رسماً از کرزن در کشتی دیدن کرد و روز بعد کرزن به شهر کویت رفت]. [شیخ تالب دریا به استقبال آمده بود و منتفأ

○ کرزن حاضر به پذیرش دادن امتیاز از سوی ایران به روسیه در خلیج فارس نبود و لرد لنزداون وزیر امور خارجه انگلیس هم چون او می‌اندیشید. لنزداون در ماه مه ۱۹۰۳ در مجلس لردها گفت انگلیس پایگاه دریایی یا ساخت استحکامات در یکی از بندرهای خلیج فارس از طرف هر دولت دیگر را تهدیدی برای مصالح بریتانیا به شمار می‌آورد و باید با همه وسایلی که در اختیار دارد در برابر آن بایستد.

○ در سال ۱۹۰۳ میلادی  
سفیر روسیه در لندن در  
دیداری با نژادون وزیر امور  
خارجة انگلیس به وی  
اطمینان داد که روسیه بر آن  
نیست که در خلیج فارس  
پایگاه دریایی برپا کند و  
افزود که بهتر است انگلیس  
پذیرای گفتگو با روسیه بر  
سر تقسیم منافعشان در ایران  
شود.

با کالسکه به شهر [۰] که به مسافت سه میل  
از کنار دریاست [۰] با دو بیست نفر سوار  
عرب [۰] که برخی شتر سوار بودند  
رفتند [۰] از يك میلی الی شهر [۰] دو صف  
از اهل جنگی قبیلۀ شیخ [۰] که به هزار  
بالغ می شدند [۰] ایستاده بودند [۰] لرد  
کرزن با شیخ از وسط شهر به خانه شیخ  
رفتند [۰] اهالی شهر به آواز بلند [۰] زن و  
مرد اظهار بشاشت [کرده] و تیریک  
گفتند [۰].

شیخ شش پسر دیگرش را در آن جا  
معرفی کرد [۰] بعد از صرف قهوه به کشتی  
مراجعت نمود [۰] عصر همان روز باز شیخ  
به کشتی رفته [و] از لرد کرزن دیدن  
کرد [۰] و کیل رویت راپورت می نماید که  
شیخ احاطه [یی] عظیم به اوضاع مملکتش  
و امور راجعه بدان دارد و شخص خیلی با  
ذکاوتی است و پذیرایی های او همه از روی  
کمال خضوع و خلوص بود [است].  
جمعیت شهر کویت را بیست هزار [نفر]  
اطلاع می دهد [۰].

استحضاراً جسارت و رزید  
۱۴ رمضان ۱۳۲۱ هـ [۰] ق [۰]  
[پیوست شماره ۵]  
شیخها لرد کرزن را بزرگ داشته بودند، اما  
ایران کرزن پذیرفت با يك پیشواز رسمی وارد  
بندر بوشهر شود ولی نپذیرفت که در اقامتگاهی  
که ایران برگزیده بود اقامت کند. وی بر سر این  
که خود به دیدار علاء اللؤلؤه فرمانروای فارس برود  
یا این که فرمانروا به دیدار او بیاید ستیزه‌ای را آغاز  
کرد. علاء اللؤلؤه بر آن باور بود که همان گونه که  
برای کرزن ۳۰ تیر توپ شلیک کرده اند برای او  
نیز چنین کنند ولی ناخدای انگلیسی حاضر به  
شلیک بیش از ۱۹ گلوله توپ برای علاء اللؤلؤه  
نبود.<sup>۳۱</sup>

کرزن در ۲ سپتامبر به بوشهر رسید و بر آن  
شد تا پس از پیاده شدن در بندر به اقامتگاه خود  
برود و علاء اللؤلؤه به دیدن او بیاید ولی  
علاء اللؤلؤه دستور داده بود تا کرزن را به کاخی که  
وی تعیین کرده ببرند و وی در آن کاخ به دیدن او  
برود و اگر کرزن رفتن به آن کاخ را نپذیرد و

راهی اقامتگاه خود شود میهمان به شمار  
نخواهد رفت و در نتیجه دیدار آنان باید در کاخ  
فرمانروایی بوشهر انجام گیرد. دربار تهران نیز  
علاء اللؤلؤه را به پافشاری بر روی گفته خود  
تشویق می کرد.

لرد کرزن از رفتار ایرانیان سخت خشمگین  
بود و از آن رو فردای روز ورودش به بوشهر آن شهر  
را ترک کرد. کرزن در آن سفر توفیق همه سویه‌ای  
به دست نیاورد و این پایه کنار نهاده شدن ایران و دل  
بستن روسیه و انگلیس به توافق شومشان در  
۱۹۰۷ و تقسیم ایران به مناطق نفوذ روسیه و  
انگلیس در شمال و جنوب سرزمین مان شد.

### یادداشت‌ها

۱. سریرسی سایکس. تاریخ ایران. جلد دوم، صفحه ۲۹۴
2. John Crowther
3. Edward Monax
4. Sir William Kier
5. Pax Britannica
۶. فیروز کاظم‌زاده. روس و انگلیس در ایران. صفحه ۴۱۷
۷. امین. منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس. صفحه ۳۴۵
۸. ابوالقاسم طاهری. تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران. صفحه ۱۹۲
۹. نجفقلی حسام معزی. تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا. جلد دوم. صفحه ۹۰
۱۰. ایرج ذوقی. تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ. صفحه ۱۴
۱۱. دنیس رایت. انگلیسی‌ها میان ایرانیان. صفحه ۲۰۱
۱۲. کاظم‌زاده. پیشین. صفحه ۴۲۰
۱۳. ذوقی. پیشین. صفحه ۲۵
۱۴. کاظم‌زاده. پیشین. صفحه ۴۲۱
15. Ottavi
۱۶. همان. صفحه ۴۱۵
۱۷. mare nostrum اصطلاحی است به زبان لاتین به معنای دریای خودمان که رومی‌های باستان به دریای مدیترانه می گفتند.
18. Fraser. India under Curzon and After. p.88
19. Adamov
۲۰. به نقل از: کاظم‌زاده. پیشین. صفحه ۴۲۲
۲۱. بایگانی وزارت امور خارجه، صندوق شماره ۳، پوشه شماره ۱؛ سال ۱۳۲۱ هـ. ق.
۲۲. به معنی حفاظت

○ لرد کرزن در سفر خود به خلیج فارس در ۱۹۰۳ میلادی از رفتار ایرانیان سخت خشمگین شد و همین، پایه کنار نهاده شدن ایران و دل بستن روسیه و انگلیس به توافق شومشان در ۱۹۰۷ و تقسیم ایران به مناطق نفوذ روسیه و انگلیس در شمال و جنوب گردید.

۲۳. بایگانی وزارت امور خارجه، پیشین.
۲۴. کوادر Kovader یا Govader بندری در کنار دریای عمان در پاکستان
۲۵. Bombai یا Bambei بندری در سواحل غربی هند در کنار دریای عمان
۲۶. Mokran منطقه‌ای در جنوب شرقی ایران در سرزمین پاکستان
۲۷. Raas - e Mosandam شمالی ترین نقطه سرزمین عمان
۲۸. بایگانی وزارت امور خارجه، صندوق شماره ۳، پوشه شماره ۱، ۲. سال ۱۳۲۱ هـ.ق.
۲۹. همان.
۳۰. همان.
۳۱. کاظم زاده، پیشین. صفحه ۴۲۳
- منابع:**
۱. امین، منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس. ترجمه علی میرسعید قاضی. تهران: زرین. ۱۳۶۷
۲. براون، ادوارد گرانویل. يك سال در میان ایرانیان. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: کانون معرفت. ۱۳۳۰
۳. جلالی فراهانی. اسنادی از روابط ایران و هند. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. ۱۳۷۶
۴. حسام معزی، نجفقلی. تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا. تهران: بی‌نا. جلد دوم ۱۳۲۶
۵. ذوقی، دکتر ایرج. تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ. تهران: پازنگ. ۱۳۶۸
۶. رایت، دنیس. انگلیسی‌ها در میان ایرانیان. ترجمه لطفعلی خنجی. تهران: امیر کبیر. ۱۳۵۹
۷. ساسانی، خان‌ملك. دست پنهان سیاست انگلیس در ایران. تهران: هدایت. ۱۳۵۲
۸. سایکس، سرپرسی. تاریخ ایران. ترجمه سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: علمی. ۱۳۵۵
۹. صدر، دکتر کاظم. تاریخ سیاست خارجی ایران. ترجمه دکتر جواد صدر. تهران: سپهر. ۱۳۲۲
۱۰. طاهری، دکتر ابوالقاسم. تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی. ۱۳۵۴
۱۱. کاظم زاده، فیروز. روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴. تهران: کتابهای جیبی. ۱۳۵۵
۱۲. کرزن، جرج ناتانیل. ایران و قضیه ایران. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۵۲
۱۳. مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه. تهران: زوآر. ۱۳۴۳
۱۴. نیکلسن، هارولد. لرد کرزن. برگردان اصغر قراگوزلو. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. ۱۳۸۰
۱۵. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. تاریخ روابط خارجی ایران. تهران: سیمرخ. چاپ دوم ۱۳۵۵

روداد بر حسب ذرات تقسیم نوبت سبب سراسر

روز پنجشنبه  
۲ بجه

پن روزان

و ستارگرف و لومو و محرم علی را که در سبب خاست بصر فریادها و سندان خیال در روز چهارشنبه  
 دید دولت همیشه عینا بگفتن در راه زبر ... بر وضع و در سبب رانفت باورند که دست (بگذر) که گوی  
 جیح همراه فرزند است ... در این صدها نظم این است که ملک خفه با سبب نام در سبب خواجه هر روز  
 کرد در این خانه خاست سبب سراسر ... شد ... در این صورت نداشتن از این است که در روز چهارشنبه  
 سبب که در این خانه است و در روز سراسر مانند ... در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر  
 بنا در عهد ایران ... در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر  
 نفس است در این صورت سراسر ... در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر  
 و سبب سبب بگفتن در این سبب در این سبب در این سبب در این سبب در این سبب در این سبب در این سبب در این سبب  
 بگفتن شود سراسر ... در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر  
 و سبب که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر  
 این سبب که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر  
 طرف همیشه است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر  
 و سبب سبب سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر است که در این صورت سراسر

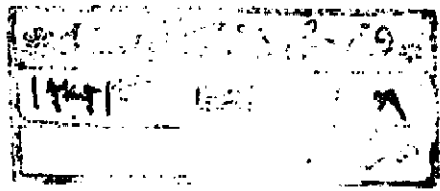
صحیح سیاست در گرنی

در این درسی اولی که حصول این نفوذ و قدرت خود را در این کشور می بینیم و در این  
 در این درسی دومی که نفوذ و قدرت خود را در این کشور می بینیم و در این  
 در این درسی سومی که نفوذ و قدرت خود را در این کشور می بینیم و در این  
 در این درسی چهارمی که نفوذ و قدرت خود را در این کشور می بینیم و در این  
 در این درسی پنجمی که نفوذ و قدرت خود را در این کشور می بینیم و در این  
 در این درسی ششمی که نفوذ و قدرت خود را در این کشور می بینیم و در این  
 در این درسی هفتمی که نفوذ و قدرت خود را در این کشور می بینیم و در این  
 در این درسی هشتمی که نفوذ و قدرت خود را در این کشور می بینیم و در این  
 در این درسی نهمی که نفوذ و قدرت خود را در این کشور می بینیم و در این  
 در این درسی دهمی که نفوذ و قدرت خود را در این کشور می بینیم و در این

در حق که مردمان با تمام دولت بکفلسر می شد و در حق سید بنده که فتح ماری را تا کفر می رساند  
 و با هم بکفلسر مانند یکی زدگونی در کلکته و دیگر بر سر در نظر بکفلسر در طهران است این در نظر  
 شفا نامهاست در حق دور بهات خوردند که این قصد را محبت است نه  
 است کاشکان اینها را در و مشا هم با یکدیگر ایافت اینها هر که  
 عطفه در کربت و ... در و در نظر بر ... این عطفه کاشکان  
 مده در شان هم عطفه که تمام نون که رفع هر که نه نفوذ را نورد و نفوذ کلکته را نفوذ در حق  
 در این مطالب همی همش تمام را همش آورد در شربت داده کردی ایران کم این بود که  
 عفت هر که در نظر از نظر فتح ماری بود در حق شایع تکلف بود که در این حکم را اثبات  
 در روح غیران شب همای نهن بود در این شایع بود که در اندر و حق بود اثر در حق  
 افروخته شود مصلحه بر فله و چشمانه و شول بکفلسر در عطف و حکومت عثمان (ظهور کفر نام) که  
 رقب سید فصر بود در سبب این طرف رضد سید بر کرد که در سبب با کلا در  
 بکفلسر در و در این شایع عفت شکر کرد این قاع بکفلسر شایع حاصل بود که بکفلسر  
 عافت بود با و از هر که تصور شد با و کوه عفت شکر کرد که عفت شکر کرد که عفت شکر کرد  
 دولت بکفلسر نونده مکن نمود نظر باین صورت یعنی صلح و عفت شکر کرد که عفت شکر کرد

بود هر از بعضی محلات تا ششصد نفر می شود بود که نوزاد کردگرن فردوسدان  
 در این طور بفرستند در طهران بدان که اگر بنا باشد که در مسدود شدن ثروت دارد همه از آن  
 که از این ساقوت کردگرن در دریا، ایران و جنوب و سایر کی صدها ثروت است از این  
 محلات و جهات کثرت است این خواهد بود که از بعضی از مدعی خود در تهران استند  
 نفی نیست نیست با هم گفتگو این نیست که در بندر کوه رود در کرمان تم تکلف بود  
 بود بگویت احدیست کرد که گفت عراق غنیست را که هزار راه لیس بغداد هستند از این  
 بغداد مانند همین، شاید بود و از راه با مسافت نماند و فیض از راه لیس خاشاک از راه  
 شراز در بندر و در کازرون این مسدود شدن جنوب ایران راه صدها بر صدها نماند و همین  
 رعایت و تو گوید که بکنس در نیست اینها در مالک خودی ایران و عراق بفرستند و در  
 بعضی مواقع که در نقاط مختلفه طبع عارضه خصوصاً در بندر بزم در میان مال بوجوهان بفرستند  
 چنانکه در بود هر از این رفته نماند که شرف رفاه هر از این خصوصاً اگر مقصد از این  
 این طبع عارضه بوجوهان احدیست شود که دارا بر توها صدها باشد بفرستند از این استند  
 بعضی طبع عارضه را نیست در کس بکنس خواهد بود چیست در این بزم کس است بی تعلیلی  
 خواهد بود بوقت که حصول این مقاصد اندامات نفی نیست و با بدو است که با نظر که  
 در اطراف فردوسدان تصور میکنند این اقدامات همه خواهد بود تا به مانی قدر در  
 و بعضی کس که در طبع عارضه عبادت است که توسط آن محلات است تا بجز که در هر  
 است که بجز در وضع ثروت رنج از آن معمم شود که از این جهت محلات از آن  
 بار و از این نیست





مردود فرزند نور...

۱۳۳۳  
۹ آبان ۱۳۳۱

روزنامه ۲۲ تیر ۱۳۳۱

۴۸۱

بسیار است و از آن قرار می‌دهد رستان در سطح در مسرت نهج است در...

بغیر از این که مقصود از گردن اینست در این کتاب...

بفکر را در بنام صحیح در این کتاب...

در این بخش به بنام است و در این بخش...

تا بنام در این کتاب و در این کتاب...

در این کتاب در این کتاب...

در این کتاب در این کتاب...

در این کتاب در این کتاب...



مخارت امیرکبیر شاهان  
Legation  
de  
S.M.I.  
le Shah de Perse  
à Londres.  
۱۳۰۵

زبشار

بر حسب خبرنامه دهر اسلامیت

تاریخ

در روز یکشنبه مورخه ۱۳۰۵/۰۸/۰۴  
 این چهار نفر علی و زین العابدین علی و زین العابدین  
 و شمس از اردو گذرن ادوین نزد و بعد از نظر درویشی بسم زدند و گویند که  
 هر از طرف سلطان میراثی در گوهن موافق وضع در شهر داشت داد در این  
 از آنجا تاج دوز و حاکم حاکم شهر از انجا صادر  
 در روزان درویش گویند که میراثی در جواب این  
 کردن از گوهن در این شهر در خان به بصره رسیده در گوهن  
 باغ نیست ذکر روز و در این گوهن شهر از این طرف است  
 دل در این انجا مورد است هر دست این شهر در این شهر  
 وضع دست این شهر علی حلقه عاقلان در مقام بر این عاقلان  
 سلطان در این شهر در این شهر (مراکز این شهر) ۱۳۰۵

کودک

روز دوازدهم در روی می از کتبی که در باری بخت است تمام بر پاره و از طرف سلطان  
 فغانه و در شان زبان از با آریست شمره در روز دوازدهم نقلی طامنا در درگاه  
 نری از این بختی که هر چه در سلطه می بود از کجا در بخت است بیان کرد و در آن وقت  
 که خان فغانه بر بسته شد و در آن روز که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 در راج میر حیدر است از طرف آن ملک که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 داده شد پس حریف آن است و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 دکت و دیگر که از آن در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 دمن دهن هر وقت از آن که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 هر چند فغانه در در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 و نانی که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت

